

# کتاب طهارت

مسائل

مسئله سوم

مسئله دوم

بالوعه

تعریف: گودالی که در آن آب نرح چاه نجس را می ریزند

حکم: مستحب است فاصله میان چاه و فاضلاب

مقدار فاصله؟

به فاصله پنج ذراع

اگر زمین سخت باشد

چه فاضلاب عمیق تر باشد

چه چاه عمیق تر باشد

چه تساوی در عمق داشته باشند

یا زمین سست باشد و فاضلاب عمیق تر باشد

اگر زمین سست باشد و چاه عمیق تر باشد

یا زمین سست باشد و تساوی عمق داشته باشند

به فاصله هفت ذراع

اشکال: چرا مصنف می گوید نجس بر ده قسم است نه نجاسات؟ شهید ثانی: هذا التفسیر من الشارح رحمه الله إنما هو لدفع الإشکال المقدر الوارد علی عبارة المصنّف رحمه الله بأنّ مدلول النجاسة واحد و غیر متعدّد ظاهراً، فکیف یحمل علیہ المتعدّد و هو العشرة؟! و لذا فسّر الشارح رحمه الله بأنّ الکلام فی قوله «النجاسة» تکتون للجنس، و المراد منها إنّما هو الماهیة لا بشرط، فیجوز حمل المتعدّد علیها. و الحاصل أنّ معنی العبارة هكذا: النجاسات عشر، كما عبّر بذلك فی عبارات سائر الفقهاء (جواهر ج ۱ ص ۱۵۸).

اقسام نجاسات

نجاست بر ده قسم است

اشکال

احکام نجاسات

اول و دوم: بول و غائط (مدفوع).

حواشی

با دو شرط

حرام گوشت باشد ذاتاً (مانند گرگ و گربه) یا عارضاً (مانند جلال).

خون جهنده داشته باشد (بخلاف مار یا ماهی).

أما بول الإنسان فللاخبار: منها: صحیح ابن مسلم عن أحدهما علیهما السلام: (سألته عن البول یصیب الثوب، فقال علیه السلام: اغسله مرتین)

و أما بول الحيوان فما يؤکل لحمه طاهر، و ما لا يؤکل لحمه نجس للاخبار. منها: صحیح عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله علیه السلام (اغسل ثوبک من أبوال ما لا يؤکل لحمه)

و عن الإسکافی طهارة بول الرضيع قبل أن یغتدی بالطعام لخبر السکونی عن أبي عبد الله علیه السلام: (و لبن الغلام لا یغسل منه الثوب - و لا بوله قبل أن یطعم) «۱» و هو محمول علی عدم اعتبار الغسل المعتبر فی بول البالغ، لا علی طهارة بول الرضيع

أما غائط الإنسان فللاخبار: منها: خبر عمار عن أبي عبد الله علیه السلام (إنما علیه أن یغسل ما ظهر منها- یعنی المقعدة- و لیس علیه أن یغسل باطنها)

و أما عذرة الحيوان الذی لا يؤکل لحمه فللاخبار: منها: صحیح عبد الرحمن عن أبي عبد الله علیه السلام (عن الرجل یصلی و فی ثوبه عذرة من إنسان أو سئور أو کلب، أ یعيد صلاته؟ قال: إن کان لم یعلم فلا یعيد) ثم لا فرق فی نجاسة بول و غائط ما لا يؤکل لحمه بین کونه بریا أو بحریاً للإطلاق

نعم استثنی أمران: الأول: ما لا نفس له سائلة بدعوى انصراف الأخبار المتقدمة الواردة فی بول و أرواث ما لا يؤکل لحمه إلى خصوص ما له نفس سائلة، و وجه الانصراف إما لأن ما لا نفس له لا لحم له کالذباب، و إما له لحم و یرسمی روثه بالرجیع الثانی: بول الطیر و خرؤه و إن کان مما لا يؤکل لحمه، كما ذهب إليه العماني و الجعفی و الصدوق و الشیخ و جماعة من المتأخرین لخبر أبي بصیر عن أبي عبد الله علیه السلام (کل شیء یطیر فلا بأس ببوله و خرئه) «۳». و المشهور أعرضوا عن هذا الخبر و تمسکوا بعموم صحیح ابن سنان المتقدم (اغسل ثوبک من أبوال ما لا يؤکل لحمه) و فیه: إن خبر أبي بصیر صحیح السند و هو مؤید بأخبار منها خبر الجعفریات عن موسی بن جعفر عن آبائه علیهم السلام (إن علیا سئل عن الصلاة فی الثوب الذی فیه أبوال الخفاش و دماء البراغیث فقال: لا بأس بذلك)

سوم و چهارم: خون و منی

با یک شرط

هر حیوانی که خون جهنده داشته باشد، انسان یا غیر انسان، صحرایی یا دریایی اگر چه حلال گوشت باشد (مانند مرغ بخلاف مار).

پنجم: مردار

نکته: اجزائی از مردار نجس است که روح دارند بخلاف مو

حتی اجزائی که روح ندارند و متولد از ایندو اگر چه مابین با ایندو در اسم باشد (اسم هیچ کدام بر آن صادق نباشد) اما متولد از یکی از ایندو با حیوانی طاهر در حکم تابع اسم است اگر چه اسم غیر ایندو بر آن صادق باشد و اگر مماثل منتفی بود (شبیبه هیچ حیوانی نبود یا اسم هیچ حیوانی بر آن صادق نبود) در این صورت اقوا طهارت آن است (به دلیل اصل طهارت) همچنین اقوا حرمت گوشت آن است (به دلیل اصل حرمت).

ششم و هفتم: سنگ و خوک صحرایی

بخلاف المیتة المبحوث عنها، فإن أجزاءها التي لم تحلها الحياة طاهرة مثل الشعر و العظم و القرن

و فی مقابله الكلب و الخنزیر البحرین اللذین قال المشهور بأنهما لیسا بنجسین

هشتم: کافر به تمام اقسامش

(نهم: مسگر (شراب مست کنند).

:دهم: فقاع (آب جو).

# کتاب طهارت

مسائل

مسئله دوم

اشکال

اقسام نجاسات

مسئله سوم

نجاست بر ده قسم است

اول و دوم: بول و غائط (مدفوع)۔

سوم و چهارم: خون و منی

پنجم: مردار

ششم و هفتم: سنگ و خوک صحرائی

اقسام کافر

کافر اصلی (پدر و مادر کافر است)۔

مرتد فطری (مسلمان زاده ای که کافر شده)۔

مرتد فطری یعنی بر فطرت اسلام زاده شده

کافر مرتد

مرتد ملی (کافر زاده ای که اسلام آورده و دوباره کافر شده) اگر چه خود را مسلمان بنامد اما منکر بعضی ضروریات دین است

مرتد ملی یعنی بر ملت کفر زاده شد

هشتم: کافر به تمام اقسامش

ضابطه در کافر: منکر خدا (مانند کمونیست) منکر رسالت (مانند یهود و نصارا) منکر ضروری دین

(نهم: مسگر (شراب مست کنند)۔

با یک شرط

اصالهُ مایع باشد اگر چه فعلاً جامد باشد مانند شراب انگور (خمر) و شراب خرما (نبید) بخلاف مست کننده ای که اصالتاً جامد است مانند حشیش

: (دهم: فقاغ (آب جو)۔

اصل در فقاغ آن است که از آب جو گرفته شود چون حکم روی عنوان فقاغ رفته هر چه عنوان فقاغ بر آن صادق است حکم بر آن ثابت است البته در صورتی که خاصیت فقاغ را داشته باشد (هر چند از غیر جو باشد) یا وضعیت آن معلوم نباشد (از جهت خاصیت نه از جهت صدق اسم)۔

یعنی لو علم وجود خاصية الفقاغ فيما اخذ من غیر الشعير أيضا أو اشتبه حاله من حيث الخاصية لا من حيث صدق اسم الفقاغ علیه حکم علیه أيضا بنجاسته

اشکال

اشکال: آیا آب انگوری که جوش آمده و غلیظ شده (عصیر عنبی إذا غلا و اشد) در صورتی که هنوز دو سوم آن کم نشده از نجاسات نیست؟ مصنف این مورد را از اقسام نجاسات ذکر نکرده چرا که دلیلی بر نجاست آن نیافته همانگونه که در ذکری و بیان اعتراف کرده در حالی که در جای دیگری این کتاب (می گوید: کم شدن دو سوم (ذهاب ثلاثاً) از مطهرات است و همین نکته دلیل بر حکم مصنف بر نجاست عصیر عنبی است پس مصنف عذری بر ترک این مورد ندارد

شاید در توجیح مصنف بگوئیم عصیر عنبی در حکم مسکرات است

شاهد ثانی: این که عصیر عنبی در حکم مسکرات باشد با توجه به اینکه مصنف کلمه مسگر را مطلق آورده (و نگفته و ما فی حکمه) چنین توجیهی مورد قبول نیست بلکه اگر مصنف قید (و ما فی حکمه) را در مسکرات اضافه می کرد قابل قبول بود۔

احکام نجاسات

موارد معفو عنه خون (مواردی که لازم نیست نجاست خون برطرف شود)۔

کیفیت تطهیر نجاسات

و جوب ازاله (برطرف کردن) نجاست

از لباس و بدن نماز گذار

برای نماز خواندن

و جوب ازاله مقدمی است

از محل سجده

برای نماز خواندن

و جوب ازاله مقدمی است

از ظروف

برای به کار گرفتن آن در مواردی که مشروط به طهارت است مانند خوردن، وضو یا غسل

و جوب ازاله مقدمی است

از مساجد، قبور مقدس و قرآن کریم

و جوب ازاله نفسی است

هنگام جریان مستمر خون

هنگام قطع موقت خون

خون کمتر از دهم بغلی

لباس مربی کودک

در نماز

در صورتی که این زمان برای طهارت و نماز کافی نباشد اما اگر زمان قطع موقت خون برای طهارت و نماز کافی باشد واجب است ازاله خون به دلیل منتفی شدن ضرورت

چرا شهید اول این مورد را ذکر نکرده

چون حکم آن در لباس مصلی مطرح خواهد شد

لباسی که نماز به تنهایی با آن ممکن نیست

چرا شهید ثانی این مورد را ذکر نکرده؟

به جهت مراعات اختیار بیان نکرده

شارح: چون بحث در ازاله نجاست از بدن و لباس نماز گزار است و لباس های کوچک نجس شده نه ربطی به بدن نماز گزار دارند نه ربطی به لباس نماز گزار (عرفاً لباس نیستند، حتی اگر عرفاً لباس گفته شود لباس ساتر و شرط در نماز نیستند)۔

شهید ثانی: مستفاد از اخبار عدم وجوب ازاله است مطلقاً (چه جریان خود قطع شود یا نشود) ت

شهید ثانی: مستفاد از اخبار عدم وجوب ازاله است مطلقاً (چه جریان خود قطع شود یا نشود) ت

# کتاب طهارت

مسائل

مسئله دوم

مسئله سوم

اشکال

اقسام نجاسات

احکام نجاسات

کیفیت تطهیر نجاسات

تطهیر بدن

تطهیر ظرف

حکم غسله

وجوب ازاله (برطرف کردن) نجاست

موارد معفو عنه خون (مواردی که لازم نیست نجاست خون برطرف شود).

با آب قلیل

تطهیر لباس

از بول

از غیر بول

غیر رضیع

رضیع

شهید  
ثانی: یک بار  
شستن همراه  
یک فشار

با آب قلیل

با آب کر

یک با آب ریختن کافی است

دو بار آب ریختن بر بدن (بنا بر این قول که تعدد چه در بول و چه در غیر بول لازم است)

شهید اول: دوبار شستنی که بین آن یک فشار باشد

همچنین معتبر است فشردن بعد از هر شستن (دو بار فشردن) ت

ریختن آب (صب الماء) کافی است و طهارت آن مشروط به فشردن (عصر) و تعدد نیست

فیکفی فیہ صب الماء علیہ من دون عصر و لا تعدد للأخبار منها: صحیح الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام: (سألته عن بول الصبي قال: تصب عليه الماء فإن كان قد أكل فاغسله بالماء غسلا، و الغلام و الجارية في ذلك شرع سواء).

شهید اول: دو بار شستنی که بین آن یک فشار باشد

مستند شهید اول برای دو بار شستن (تعدد غسل) غیر از بول، مفهوم موافق است چرا که در روایت، طهارت بول با دو بار شستن است و نجاست بول از دیگر نجاسات شدید تر است پس به طریق اولی طهارت غیر بول به دو بار شستن است

نقد شهید ثانی مستند شهید اول: دلیلی بر شدت نجاست بول نداریم و نجاست بول یا مساوی با دیگر نجاسات است یا ضعیف تر است و به همین دلیل نجاست خون در نماز معفو عنه است بخلاف دیگر نجاسات پس اکتفاء به یک بار شستن در غیر بول اقوی است به دلیل اطلاق امر به شستن

ذهب المشهور إلى التعدد في البول و إلى المرة في غيره مطلقا، و مستند المشهور بأن الأخبار الآمرة بالغسل في سائر النجاسات مطلقه فتحمل على المرة مثل قوله عليه السلام: في الثوب الذي أصاب جسد الميت: (يغسل ما أصاب الثوب) و قوله عليه السلام في الثوب الذي أصابه خمر أو نبيذ: (فاغسله)، و قوله عليه السلام في المنى: (إن عرف مكانه فاغسله)

فقہ صحیح ابن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام: (في الثوب يصيبه البول قال عليه السلام: اغسله في المرن (لکن بزرگ) مرتین، فإن غسلته في ماء جار فمرة واحدة)

مقتضای اطلاق در صیغه امر چیست؟ مره یا تکرار؟ هر یک از مره یا تکرار نیازمند بیان زائد است، مولی در مقام بیان حکم بوده قیدی نیاورده پس مقتضای اطلاق صرف وجود شیء بدون هیچ قیدی است (لا بشرط از مره و تکرار) پس امتثال به دفعه اول منطبق بر امر است و انجام دفعه دوم لغو است هر چند ضرری ندارد

الأقوى إشارة إلى قوة الدليل في ذلك الحكم، و ضعف دليل نقيضه. قولى است که دلیلش قوی است لکن دلیل نقيضش ضعیف است (فتوا است) رک شهید ثانی، فوائد القواعد ص ۱۵

# کتاب طهارت

## مسائل

مسئله دوم

اشکال

اقسام نجاسات

مسئله سوم

احکام نجاسات

کیفیت تطهیر نجاسات

وجوب ازاله (برطرف کردن) نجاست

موارد معفو عنه خون (مواردی که لازم نیست نجاست خون برطرف شود).

تطهیر لباس

تطهیر بدن

تطهیر ظرف

حکم غسله

نجس شده با غیر ولوغ سنگ

با آب قلیل (به دو شیوه) ت

شیوه دوم: ریختن آب در ظرف و خالی کردن آن و لو با ابزار (البته برای هر بار خالی کردن باید ابزار پاک شود) ت

برخی قائلند، در صورتی می توان از این شیوه استفاده کرد که ظرف در زمین کار گذاشته شده باشد و کندن آن از زمین مشقت داشته باشد اما شهید ثانی می فرماید استفاده از این روش مشروط به این موارد نیست

شیوه اول: مانند بدن دو بار آب ریختن بر ظرف

با آب کر

یک بار آب ریختن کافی است

لصحيح البقباقي عن أبي عبد الله عليه السلام: (سألته عن الكلب فقال: ... اغسله بالتراب أول مرة، ثم بالماء مرتين و مستحب است هفت بار به دليل حمل موثق عمار بر استحباب

مشهور و شهید اول و ثانی: خاک مال کردن به همراه دو یا شستن

لصحيحه الفضل عن الصادق عليه السلام حين سأله عن الكلب، فقال رجس نجس لا يتوضأ بفضله، و اصيب ذلك الماء و اغسله بالتراب أول مرة ثم بالماء مرتين و هذا الحديث حجة على ابن الجنيد الموجب للغسل منه سبعاً، و على المفيد حيث جعل غسله بالتراب وسطاً، و على ابن إدريس حيث أوجب مزج التراب بالماء؛ بناءً على أن حقيقة الغسل جريان الماء على المحل، فإذا تعدرت صير إلى أقرب المجازات إليها. و يرده إطلاق الخبر، و دلالة على اعتبار مسمى التراب. و يشترط طهارة التراب؛ لأن النجس لا يفيد طهارة غيره، و لإطلاق الطهور عليه في بعض الأخبار. و لو فقد، قيل: أجزأ مشابهة من الأشنان و الدقيق؛ لأنه ربما كان أبلغ في الإزالة من التراب. و الأولى بقاؤه على النجاسة؛ لعدم النص، و بطلان القياس، و عدم ثبوت التعليل بإزالته الأجزاء اللعابية، فجاز كونه تعبدًا. و لو خيف فساد المحل باستعمال التراب، فكالمفقود رك روض الجنان

با آب قلیل

نجس شده با ولوغ سنگ

ابن جنید: خاک مال کردن به همراه شش بار شستن

لموثق عمار عن أبي عبد الله عليه السلام: في الإناء يشرب فيه النبيذ فقال عليه السلام: تغسله سبع مرات و كذلك الكلب و الرواية محمول على الاستحباب لأن الحكم في النبيذ ثلاثا و الاستحباب على السبعة

با آب کر

خاک مال کردن به همراه یک بار شستن

با آب قلیل

نجس شده با موش مرده

شهید اول و ثانی: مانند بقیه نجاسات دو بار شستن واجب اما هفت بار مستحب است

لموثق عمار عن أبي عبد الله عليه السلام: (اغسل الإناء الذي تصيب فيه الجرذ ميتا سبع مرات

با آب قلیل

نجس شده با ولوغ خنزیر

شهید ثانی و مصنف در باقی کتبش: هفت بار شستن واجب است

لصحيح علي بن جعفر عن أخيه عليهما السلام: (سألته عن خنزير يشرب من إناء كيف يصنع به؟ قال عليه السلام: يغسل سبع مرات

# کتاب طهارت

## مسائل

- مسئله دوم
- مسئله سوم

- اشکال
- اقسام نجاسات

## احکام نجاسات

- وجوب ازاله(برطرف کردن)نجاست
- موارد معفو عنه خون(مواردی که لازم نیست نجاست خون برطرف شود).

- تطهير لباس
- تطهير بدن
- تطهير ظرف

## کیفیت تطهير نجاسات

وجوب ازاله(برطرف کردن)نجاست

موارد معفو عنه خون(مواردی که لازم نیست نجاست خون برطرف شود).

## تعريف

آب جدا شده از محل شستشو، به خودی خود یا با فشار(البته مشروط به اینکه عین نجاست در آن نباشد و اوصاف آن تغییر نکند

شهید اول: البته این دیدگاه(حکم غسله کالمحل است قبلها) در صورتی صحیح است که تعدد(دو بار شستن) به خاطر نجاست باشد نه به خاطر خصوصیتی که در نجاست است پس اگر تعدد به سبب خصوصیتی باشد که در نجاست است به غیر آن تعدی نمی کند(یعنی در معمول نجاسات به جهت خود نجاست دو بار شستن لازم است پس اگر موردی مانند ولوغ خاک مال نیاز داشت متنجس به غسله آن خاک مال نیاز ندارد چون به آن ولوغ اطلاق نمی شود و خاک مال به سبب خصوصیت مورد ولوغ واجب شده پس به غیر آن تعدی نمی کند)

شهید اول: حکم آن حکم محل است قبل از خروج غسله(کالمحل قبلها ای قبل الغسالة) پس متنجس به آب غسله اول باید دو بار تطهير شود و متنجس به آب غسله دوم باید یک بار تطهير شود

لأنّ المحلّ المغسول تضعف نجاسته بعد كلّ غسله و إن لم يطهر، و لهذا يكفيه من العدد ما لا يكفي قبل، فيكون حكم ماء الغسلة كذلك؛ لأنّ نجاسته مسببة عنه، و لا يزيد حكمه عليه؛ لأنّ الفرع لا يزيد على الأصل، و هذا هو المقيد لتلك الأدلة الدالة على النجاسة على الإطلاق

و، في هذه الأدلة نظر. أما الأول: فلمنع كلیة كبراه؛ فإنها عين المتنازع فأخذها في الدليل مصادرة. و لانتقاضها بماء الاستنجاء. فإن قيل: خرج ذلك بالدليل، فصار الباقي كالعالم المخصوص في حجّيته على ما بقي. قلنا: ذلك إنما يتم لو ثبت صورة الدليل كذا، و إلا فلنا أن نخرج ماء النجاسة أيضاً؛ لما سيأتي، مع أنّ كلیتها على ما عدا ذلك ممنوعة و أين الدليل عليه؟ و أما الخبر فهو أعمّ من الدعوى؛ فإنّ المنع من الوضوء به أعمّ من النجاسة، فلا يستلزمها؛ لعدم دلالة العام على الخاصّ المعین و عطف الجنابة عليه على تقدير تمامه يؤذن برفع الطهوريّة لا الطهارة. و أما خبر غسله الحمام فسيأتي الكلام فيه، مع أنّه معارض بقول الكاظم عليه السلام في غسله الحمام تصيب الثوب: «لا بأس».

و حجّتهم أنّه ماء قليل لاقي نجاسة فينجس. و قول أبي عبد الله: «الماء الذي يغسل به الثوب و يغتسل به من الجنابة لا يتوضأ منه» «۴». و قول الكاظم عليه السلام في غسله الحمام لا تغتسل منها» «۵» فيثبت الحكم في غسله غيره؛ إذ لا قائل بالفصل

حکم آن حکم محل است قبل از غسل(شستن و تطهير کردن)مطلقا(چه غسله اول باشد یا دوم)(کالمحل قبله ای قبل الغسل)پس متنجس به آب غسله را باید دو بار تطهير کرد چه غسله اول باشد یا دوم

## اقوال

حکم آن حکم محل است بعد از غسل(شستن و تطهير)مطلقا(چه غسله اول باشد یا دوم)(کالمحل بعده ای بعد الغسل)پس متنجس به آب غسله طاهر است مطلقا

و الحجّة على هذا القول أنّه لو حکم بنجاسة القليل الوارد، لم يكن لوروده أثر، و متى لم يكن له أثر لم يشترط الورد، فيطهر النجس و إن ورد على القليل. و لآته لو حکم بنجاسته لم يطهر المحلّ بالغسل العددي، و التالي باطل بالإجماع، و الملازمة واضحة

حکم آن حکم محل است بعد از خروج غسله(کالمحل بعدها ای بعدها ای بعد الغسالة) پس متنجس به آب غسله اول باید یک بار تطهير شود و ملاقی با غسله دوم پاک است

أنّ المحلّ بعد الأخيرة طاهر مع بقاء بعض مائها فيه، و الماء الواحد لا تختلف أجزاءه في الطهارة و النجاسة

و جوابه: اختصاص المتصل بالعمو و الحرج و الضرورة، بخلاف المنفصل. و يعارض بماء الاولي؛ للقطع ببقاء شيء منه

تعريف آب استنجاء: آب منفصل از تطهير بول و غائط

حکم آب استنجاء: طاهر است مطلقا(بول باشد یا غائط) به شرط عدم زوال اوصاف و عدم برخورد با نجاست خارجی و عدم برخورد با نجاست خارج از محل حدث